

## گرگیعان، مراسمی دیرینه

عبدالنبی قییم

همیشه دو خاطره زیبا و به یادماندنی از دوران کودکی در ذهن و یاد من چون مروارید درخشان تلالؤ می‌کنند. هر دو خاطره از ماه رمضان هستند. یکی مراسم عید فطر است و دیگری مراسم گرگیعان. عید فطر یادآور خاطرات شیرین من با پدر و مادرم و کلیه اقوام و فامیل است. در این روز من و برادرانم با جامه‌های نو و تازه و با دنیایی از شور و شوق منتظر دریافت عیدی از پدر و مادر بودیم. و می‌دیدیم که چگونه فامیل برای تبریک عید به خانه ما می‌آمدند. عید فطر برای من یادآور خاطرات شیرین پدرم است. برای او در طول سال، عید فطر شأن و منزلت دیگری داشت و هیچ روزی را با آن برابر نمی‌دید. اما گرگیعان برای من زنده کننده خاطراتم با هم‌سن و سالانم است. در این شب، یکی دو ساعت بعد از افطار در حالی که لباس‌های نو بر تن داشتیم و کیسه‌هایی که از قبل مادرانمان با پارچه دوخته بودند، حمل می‌کردیم، دسته جمعی و در گروه‌های چند ده نفره به در خانه‌ها می‌رفتیم و گرگیعان کنان، نقل و نبات و شکلات و بیسکویت و شیرینی و گاهی سکه‌های یک ریالی و دو ریالی دریافت می‌کردیم.



درباره وجه تسمیه گرگیعان یا همان قرقیعان نظرهای متفاوتی وجود دارد، برخی بر این باورند که ریشه آن از فعل «قرع الباب» به معنی کوبیدن در است، که به مرور به قرقیعان تبدیل شده است. برخی نیز معتقدند که اصل آن از «قره العین»: به معنی روشنی چشم در نتیجه به دنیا آمدن نوزادی یا رسیدن عزیزی از راه یا سفر دور است، و ریشه آن را به مناسبت تولد امام حسن مجتبی می‌دانند که مردم برای تبریک قدوم او به محضر پیامبر رفته و قره العین گویان به ایشان تبریک گفته‌اند و این واژه به مرور به قرقیعان تبدیل شده است.

از آنجایی که «قرع الباب» به معنی کوبیدن آهسته در به منظور کسب اجازه برای ورود است (المنجد فی اللغة العربیه المعاصره، ص 1144)، ریشه قرقیعان نمی تواند از قرع الباب باشد. ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که در قدیم عرب در خانه خود را نمی بست و بستن در نزد آن ها خلاف مهمان نوازی است. علاوه بر این کودکان قصد دخول به منزل را ندارند تا در را بکوبند.

از طرفی دیگر چون در ابیات گریغان هیچ گونه اشاره ای به تولد امام حسن و یا تبریک ولادت ایشان به پیامبر نیست، احتمال اینکه ریشه گریغان از «قره العین» باشد هم بسیار ضعیف است. شایان گفتن است که در ابیات و اشعار گریغان در کویت، قطر، امارات، جزیره العرب چنین ابیاتی وجود ندارد. مضافاً اینکه ابدال «قره العین» به گریغان تا حدود زیادی نامحتمل است.



هرچند در این گونه موارد نمی توان با قاطعیت اظهار نظر کرد و هر نظری در این موارد را باید با احتمال مطرح کرد. اما به نظر می رسد قرقیعان از ریشه فعل «قرقع» است. قرقع به معنی ایجاد صدایی خشک همانند صدای برخورد و کوبیدن دو قطعه آهن و امثال آن است (المنجد فی اللغة العربیه المعاصره، ص 1147).. تأیید این سخن این است که ما در کودکی دو قطعه ریگ در دو دست می گرفتیم و با کوبیدن آن ها به یکدیگر صدایی ایجاد می کردیم تا هم بقیه کودکان به ما بپیوندند و هم اهل خانه متوجه آمدن ما شوند. و این رسم هنوز در بسیاری از مناطق پابرجاست. علاوه بر این ما در روز چهاردهم رمضان از فعل «قرقع» استفاده می کردیم و می گفتیم «هذه الليله نقرقع»: یعنی امشب قرقیعان می کنیم. به یاد دارم از مرحومه مادرم شنیدم که فلسفه قرقیعان این است که

چون یک سال گذشت و اهل بیت همه سلامت هستند و توانستند فرایض را بجا آورند، این مراسم به میمنت سلامتی خانواده و فرزندان آن‌ها برگزار می‌شود. به همین دلیل خانواده‌ها به کودکان گرگیان کننده شیرینی و نقل و نبات و شکلات و سکه می‌دهند. نگاهی به اولین بیت گرگیان مؤید این سخن است:

قرقیعان و قرقیعان بین قصیر ورمضان عادت علیکم صیام کل سنه وکل عام

در مصرع دوم کودکان برای آن خانواده طول عمر را طلب می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند «همه ساله زنده و سلامت باشید.»

قرقیعان وقرقیعان الله یخلى الرضعان

قرقیعان وقرقیعان الله یعطیکم رضعان

در مصرع اول می‌گویند «خداوند شیرخوارانتان را نگه دارد» و در مصرع دوم می‌گویند «خداوند به شما نوزاد جدید عطا فرماید.»

قرقیعان وقرقیعان یالله یاالله یا صبیان

بعد برای صاحب خانه و تمام اعضای خانه با ذکر اسم آن‌ها دعای سلامتی و طول عمر می‌کنند:

الله یخلى راعى البیت

الله یخلى أم البیت

الله یخلى ولدهم

الله یخلى ابنهم

الله یخلى عبدالحسین

الله یخلى عبدالنبی

الله یخلى عبدالاله

الله یخلى کریم

الله یخلى سالم

پس از اینکه اسم فرزندان را آوردند ، طلب شیرینی و شکلات می‌کنند و می‌گویند:

یسلمکم الله

عطونا من مال الله

و بعد برای آن‌ها دعای رفتن خانه خدا می‌کنند:

بیت الله یودیکم

عطونا، الله یعطیکم

و اگر اهل خانه در دادن شیرینی و شکلات تعلل بکنند، این بیت را می‌خواندیم که ای مدینه، سر کیسه را شل کن و به ما چیزی بده. و بعد می‌گوییم به ما می‌دهید یا ما به شما بدهیم:

مدینه یا مدینه حلّی الکیس و اعطینه

تعطینه لو نعطیکم بیت مکه یودیکم

آخر سر اگر کسی از اهل خانه بنا به هر دلیل مانند بیماری، سالمندی و غیره هدیه‌ای نداد، کودکان برای اینکه معطل نشوند و به بقیه خانه‌ها برسند، از آن‌ها می‌پرسند به ما چیزی می‌دهید یا برویم، هرچند من ندیدم خانه‌ای هدیه‌ای ندهد و هرکس متناسب با وسع خود نمی‌گذاشت ما دست خالی برگردیم. گویی شیرینی و نقل و شکلات ندادن زشت و ناپسند بود:

اهل السطوح      تعطونا لو نروح

نکته جالب این است که به دلیل فراگیر بودن و ریشه دار بودن این رسم در آبادان، کودکان غیرعرب هم با ما بودند. به یاد دارم منزل ما که لب شط و در کوچه صندوق سازها بود( سه کوچه نرسیده به بازار مرکزی فعلی آبادان) بچه‌هایی بودند که پدر و مادرشان رشتی بودند، خانواده‌ای هم داشتیم که اصفهانی بودند. این‌ها با ما قرقیعان می‌کردند و چون تلفظ برخی کلمات عربی برای آن‌ها سخت بود، به جای عبارت «الله یخلی راعی البیت» آن‌ها می‌گفتند: «الله یخلی پدرش» و به جای عبارت «الله یخلی أمهم» می‌گفتند: «الله یخلی مادرش». یکی از همبازی‌های من که دو سه سالی از من بزرگ‌تر بود آقای عبدالکاظم دریسای، نویسنده معروف است که در زمینه مقالات ورزشی و به ویژه فوتبال از چهره‌های نام‌آور است. سال گذشته بحثی با آقای حمزه موسوی پور، شاعر آبادانی داشتم. ایشان که خیلی از من بزرگ‌تر است می‌گفت ما در احمدآباد آبادان گرگیان داشتیم، اما به آن «گرگی‌آنا» می‌گفتیم. ایشان که غیرعرب هستند، چون تلفظ گرگیان برای او سخت است و شاید آن را درست نشنیده بود، فکر می‌کرد گرگیان، «گرگی‌آنا» است.

با این وجود برخی افراد مشکوک الحال که یک سر آن‌ها به تشکیلات پان ایرانیستی و ضدعرب یاران داریوش همایون وصل است و سر دیگر آن‌ها به سلطنت‌طلب‌ها وصل است، با دروغ‌گویی و جوسازی، گرگیان را رسمی جدید می‌دانند و سخنان بی‌ربط و خنده‌داری در این باره گفته‌اند. این‌ها همان کسانی هستند که با جوسازی علیه کتاب من «پادشاهی میسان و اهواز یا احواز» و الصاق تهمت‌های ناروا و مضحک ده روز بعد از انتشار آن، سبب توقیف کتاب شدند و پس از آن که کتاب توقیف شد، از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند. این‌ها و رؤسای آن‌ها اگر دانش و سوادش را داشتند اشکالات کتاب را بیان می‌کردند و بر آن نقدی می‌نوشتند.



اما از آن جایی که گرگیان ریشه در تاریخ دارد، سال به سال با شکوه بیشتری برگزار می‌شود و به موازات برگزاری با شکوه آن، «دشمنان آفتاب» (عدو الشمس) به قول توفیق زیاد شاعر فلسطینی، بیشتر آتش می‌گیرند و دشنام‌ها و تهمت‌های آن‌ها بیشتر می‌شود. چون به قول معروف: الصراخ علی قدر الوجع.

